

شناخت شناسی فاطمه زهرا(س) در بهار فاطمی

حضرت زهرا(س) معیار صحت و قبولی و ارزش و بی اعتباری همه عقاید اعمال و کردار است و اگر در روایت آمده است که آنها در قیامت میزان اعمال هستند، یعنی معیار بودن آنها در صحرای محشر ظاهر می شود.



حضرت زهرا(س) معیار صحت و قبولی و ارزش و بی اعتباری همه عقاید اعمال و کردار است و اگر در روایت آمده است که آنها در قیامت میزان اعمال هستند، یعنی معیار بودن آنها در صحرای محشر ظاهر می شود.

به گزارش خبرگزاری مهر، با فرارسیدن سال جدید و تقارن آن با ایام شهادت حضرت فاطمه زهرا(س)، لزوم بسط و گسترش آموزه های فاطمی، می تواند در نوع خود منجر به تقویت آموزه های معنوی در سطح جامعه گردد، لذا ضرورت این مسأله ما را بر آن داشت تا با انتشار دل نگاشته حضرت آیت الله جوادی آملی که دغدغه های دل و جان خود را در وصف شاخصه های حضرت فاطمه زهرا(س) به رشته تحریر درآورد، گامی در جهت شناخت هر چه بیشتر حضرت صدیقه کبری(س) برداریم، که تحقق این شناخت می تواند بهار فاطمی را با آموزه های فاطمی پیوند زند و به طور روز افزون جامعه اسلامی را به سوی سبک زندگی فاطمی رهنمون سازد.

۱. با تحلیل کتاب و سنت معصومین(علیهم السلام) و ترسیم گوشه ای از کمال وجودی این سیده زنان جهان، می توان به راز نامگذاری آن حضرت به «فاطمه» توجه نمود که حضرت امام باقر(ع) فرمود: هنگام تولد آن بانو خداوند فرشته ای را با وحی سبب قرار داد که پیامبر اکرم(ص) آن حضرت را به نام «فاطمه» بنامد.

سپس فرمود: من تو را به علم، «فطم» نمودم و امام باقر(ع) فرمود: سوگند به خدا! خداوند او را با علم، فطم نمود؛ یعنی از هر جهل و غفلتی جدا نمود؛ چنان که رضاع او نیز با علم و معرفت شروع شد. و السلام علیها یوم ولدت و یوم استشهدت و یوم تبعث حیا! اللهم اهل بیت الوحي كما نحب فاجعلنا كما یحبون!

وقتی سخن از موجودی است که زهره سماء و زهرای زمین است، وجودی که عرش و فرش، فرش هستی اوست و چهره ای که ثمره نتیجه هستی است، قلم سرافکنده و از ناوک او عرق خجلت بر صفحه کاغذ می نشیند و زبان، الکن و تنها شیون و ناله آخرس را دارد.

۲. بیاییم به مقدار توان، کوثر وجودش را در طرف هستی خود مالا مال گردانیم؛ زهرایی که در سیر عشق به پروردگارش سبقت گرفته؛ بلکه الگوی همه عاشقان شده. او که هیچ چیز جز ذکر محبوب و یاد معشوق نمی تواند وقود عشقش و شعله حبش را سرد و خنک کند: «یا رب لیست من أحد غیرک تتلج بها صدري»، او که شادی قلبش و سرور نفسش در شعاع فیض ربوبی است و «تسر بها نفسي» او که قره عینش و اشک شوقش در پرتو نگاه رحمانی است و «تقر بها عینی» و بالاخره، او که آرامش قلبش و آسایش جانش در توجه به اوست و «یطمئن بها قلبي»، او زهراست.

۳. اگر در صحنه سلامت نفس و صیانت روح او را بنگری، طائر طاهر وجودش سبکبال از هرچه بدی و پرتو آن از هرچه نیکی در آسمان پر ستاره فضیلت به پرواز درآمده و ندا در می دهد: «اللهم انزع العجب و الریاء و الکبر و البغي و الحسد و الضعف و الشک و الوهن و الضر و الأسقام و الخذلان و المکر و الخدیعة و البلیة و الفساد من سمعی و بصری و جمیع جوارحی و خذ بناصیتی إلی ما تحب و ترضی»، او از آفریدگارش مسئلت می کند تا همه ارجاس نفسانی و ارجاز جسمانی را از او دور دارد و زمام هستی و ناصیه وجودش را به سمتی بکشاند که رضای او در آن است. «فإنها تعدل عتی حسناً وحسیناً».

۴. او در مقام تعلیم و آموزش علوم الهی و حقایق دینی، هرگز خستگی به خود راه نمی داد؛ بلکه شوق پاداش تعلیم و صواب آموزش آن چنان او را به خود مشغول می داشت که ضربات خستگی و لطمات رنج و ناراحتی، کمترین آسیبی به پیکره روح راسخ او وارد نمی ساخت: «فقلت: إکتریت أنا لكل مسألة بأکثر من ملء ما بین الثری إلی العرش لؤلؤاً فأحری أن لا یثقل علی».

۵. وقتی او را در سیمای علی(ع) می یافتی، بهترین مددکار و یار علی در مسیر طاعت الهی بود. از دیدگاه علی بهترین همسر کسی است که نه تنها اجازه ندهد که شوهر در جهت خلاف گام بردارد و از میدان اطاعت الهی بگریزد و نه تنها مانع کمال و عبودیت در مسیر الهی شوهرش نگردد، بلکه او را در این مسیر سخت یار و مساعد باشد. قال(ع): «الزهاء نعم العون علی طاعة الله».

۶. چون یکی از راههای شناخت امور، شناسایی معادل و همسان است، برای بازیافت حقیقت و دریافت نفاست زهرا، تابلوی رسا و آیه کبرای وجود امیرالمؤمنین بهترین راهنماست و لذا رسول اکرم (ص) فرمود: اگر علی(ع) نبود، زهرا کفو و همتایی نداشت: «لولا أن أمیرالمؤمنین تزوجها لما کان لها کفو» علی وجه الأرض إلی یوم القیامة من آدم فمن دونه».

۷. اگر او را در یکی از عالیتین چهره ها و برجسته ترین صورتهایش که همانا دفاع از حریم ولایت است بنگری، مشاهده می کنی دریای وجودش به جوش آمده و موج هستی اش به اوج رسیده، همه و همه را فدای راه علی و نثار مقام علی(ع) می نماید و می گوید: یا علی! جانم فدای جان تو و نفس من نگاهبان نفس تو باد! «قالت: روحی لروحک الفداء و نفسي لنفسک الوقاء». او وقتی می بیند همسرش را با اکراه به مسجد می برند و به راحتی مقام خلافت را تعدی می نمایند، فریاد بر می آورد:

دست از پسر عمویم بردارید و در غیر این صورت با همه وجودم از خدا دادرسی می طلبم و بدون شک، ناقه صالح از من در نزد پروردگار کریم تر نیست و بچه های من از بچه شتر کمتر نیستند: «خُلُوْا عَنْ ابْنِ عَمِّيْ فَوَالَّذِيْ بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ! لَنْ لَمْ تَخْلَوْا عَنْهُ لِأَنْشَرَنَ شَعْرِيْ وَلَأُضَعْنَ قَمِيصَ رَسُولِ اللَّهِ عَلِي رَأْسِيْ وَلَأُصْرَخَنَّ إِلَيَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَمَا نَاقَةُ صَالِحٍ بِأَكْرَمَ عَلَيَّ اللَّهُ مَتِيْ وَلَ الْفَصِيلَ بِأَكْرَمَ عَلَيَّ اللَّهُ مِنْ وَلَدِيْ».

۸. چهره زهرا که مظهر عطوفت رحمانی و رأفت یزدانی است، نسبت به شیعیان و پیروان ولایت که گرد عصیان و غبار طغیان بر سیمای جانیشان نشست است، همانند باران رحمتی شست و شوگر ذنوب و رافع کدور است. او همه انبیاء را مشفوع به بکاء طفلان نموده و به عنوان زمینه دریافت غفران، پروردگارش را بدانها سوگند می دهد: «إِلَهِیْ وَسِیْدِیْ! أَسْأَلُكَ بِالَّذِیْنَ اصْطَفَيْتَهُمْ وَبِبِکَاءِ وَلَدِیْ فِیْ مَفَارِقَتِیْ أَنْ تَغْفِرَ لِعَصَاةِ شِیْعَتِیْ وَ شِیْعَةِ ذُرِّیَّتِیْ»، و آنگاه که در صحرای محشر، عده ای زفیر آتش و نفیر نار را می شنوند و فریاد هل من مزید جهنم نیز بلند است، اجنحه نجات و بال شفاعت از طرف حضرت زهرا بر سر آنها گسترده می شود که: «إِذَا حُشِرَتْ یَوْمَ الْقِیَامَةِ أَشْفَعُ عَصَاةَ النَّبِیِّ».

۹. وقتی زهرا را در نقش پرهیز از دنیا و میل عقبا می نگری، شهد شیرین رضوان او را از مرداب عفن طغیان باز می دارد و هرگز رغبتی حتی در حد نظر به دنیا ندارد و گاه که رسول اکرم (ص) وارد منزل شد، فاطمه دستي بر آسیاب و دستی به آفتاب سیمای حسن داشت. وقتی او را به شوق آخرت دعوت و از میل به دنیا منع می نمود، او با تمام خرسندی حامد نعم و شاکر آلاء الهی بود: «يَا بِنْتَاهُ! تَعْجَلِيْ مَرَارَةَ الدُّنْيَا بِحُلَاوَةِ الْآخِرَةِ؛ فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ نِعْمَائِهِ وَ الشُّكْرُ لِلَّهِ عَلَيَّ أَلَاءِهِ».

وقتی سلمان به لباس کهنه و مندرس زهرا نظر می کند و انگشت عجب بر دهان و دیدگان شگفتی باز می کند؛ حضرت به وی می فرماید: ما از نصیب مادی خود در این دنیا گذشتیم و به بهره عقبا می نگریم: «يَا سَلْمَانَ إِنَّ اللَّهَ ذَخَرَ لَنَا الثِّيَابَ وَ الْكَرَاسِيَّ لِيَوْمٍ آخِرٍ».

گاه که یاد معاد با دشواری راه و تهیدستی جان به خاطرش می آمد، ابر اضطراب و غمام غصه بر چهره اش می نشست و روزی که چشم رسول اکرم به این چهره نگران و روی اندوهگین افتاده، فلسفه آن را پرسید، حضرتش عرض کرد: یاد قیامت و عریان بودن مردم در پیشگاه ربوبی، اینگونه مرا پریشان نموده است: «يَا أَبَا ذَرٍّ الْمَحْشَرُ وَ وَقُوفُ النَّاسِ عِرَاءَ یَوْمَ الْقِیَامَةِ».

گاه دیگری که رسول الله (ص) او را اینچنین سرآسیمه و آشفته دید، فرمود: دخترم چگونه ای؟ او در جواب از شدت خوف و زیادتى فاقه و طول اسف نسبت به معاد حکایت کرد: «وَاللَّهِ! لَقَدْ أَشْتَدَّتْ حَزْنِيْ وَ أَشْتَدَّتْ فَاقَتِيْ وَ طَالَ سَقَمِيْ».

۱۰. آنگاه که در مقام تربیت فرزند قرار می گیرد و می خواهد همانند باغبانی دلسوز، لاله های باغ هستی را آن سان بیوراند که شمیم عطر وجودشان جامعه بشری را در اوج عبودیت و نیز معیار عدالت را در میان اجتماع گسترده سازد، آنها را امر به اطاعت الهی و بندگی ربوبی نموده و توصیه می کند همانند پدرشان علی (ع) بوده که تنها در مقابل پروردگاری که مبدأ قدرت و منشأ عزت است، سر فرود آورده و هر قدرت غیر الهی را به هیچ انگاشته و با انسانهای کینه توز و دشمن، هرگز طرح دوستی و زمینه رفاقت در نیاندازد: أَشْبَهَ أَبَاكَ يَا حَسَنُ! وَاحْتَلَعَ عَنِ الْحَقِّ الرَّسَنُ **** وَ اعْبُدْ إِلَهَ ذَا مَنَنْ وَ لَا تَوَالَ ذَا الْإِحْنِ

۱۱. چهره تابناک زهرا در تحمل مشکلات و پذیرش مصائب، به حدی پربلاست است که گویا کوه وجودش را با بنیانی سُرَب پی ریزی نموده و هیچ مصیبتی نمی تواند آن را متزلزل و دگرگون سازد؛ بلکه هرچه این مصائب بر او باردار، آن ممتحنه الهی شکوفاتر و درجات قرب الهی او افزون تر می گردد: «يَا مَمْتَحَنَةُ امْتَحَنَكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجَدَكَ لَمَّا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً».

اعتقاد به کوثر بودن زهرا و الگو بودن دختر بطحاء است. او نه تنها اسوه زنان و رهبر نسوان است، بلکه امام مردان و زعيم قاطبه نیکان است.

و چون رضا و غضب دو وصف نیست، بلکه جامع همه اوصاف انسانی است، زیرا کار انسانی یا مورد رضای الهی است و یا جای غضب پروردگاری؛ و چون فاطمه مظهر رضای الهی و غضب ربوبی است، بنابر این تمام اوصاف انسانی با معیار رضا و غضب فاطمه بررسی می شود که اگر عملی از دیدگاه فاطمه، مظهر رحمانیت الهی، پسندیده و نیکو بود، خدا از عمل و صاحب آن ارضا، ه آگ بدبفته نهد، خداهند ننا از آن، کا، ه صاحب آن، غضب آلهده است.

از این جهت، او معیار صحت و قبولی و ارزش و بی اعتباری همه عقاید اعمال و کردار است و اگر در روایت آمده است که آنها در قیامت میزان اعمال هستند، یعنی معیار بودن آنها در صحرای محشر ظاهر می شود؛ وگرنه آنها هم اکنون معیارند و رضای آنها ملاک حقانیت و غضب آنها میزان بطلان است.